



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۳۲۲

۲۴ آبان ۱۳۸۱

۱۵ نوامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

"رهبر برو گمشو!"

فاتح بهرامی

این یکی از شعارهای دانشجویان علیه خامنه ای است که آنرا در اجتماعات خود در کنار شعارهایی علیه رفسنجانی، خاتمی، و شاهرودی همراه با "مرگ بر استبداد" و "مرگ بر طالبان در کابل و در تهران" سر میدهند. "رهبر برو گمشو" البته یک جواب تیز دانشجویان به تهدید خامنه ای نیز هست که چند روز قبل هجوم گله حزب الله را به رخ کشیده بود. موج اخیر اعتراضات دانشجویان که از پنج روز پیش با اعتراض به حکم اعدام آقاچاری شروع شد، اکنون تقریباً تمام دانشگاههای ایران را در بر گرفته و در موارد زیادی به اعتراض علیه کلیت رژیم تبدیل شده است.

علیرغم اینکه کلیه مقامات دو خردادی، بجز خاتمی، درباره حکم اعدام آقاچاری و اتهام و دستگیری عباس عبدی با لحن تندی علیه قوه قضائیه حرف زدند، اما از گسترش اعتراضات دانشجویان به وحشت افتاده اند و بهر دری میزنند تا آنرا کنترل کنند. همگی، از سلامتی و نبوی تا کروی و خاتمی، دانشجویان را به آرامش دعوت میکنند و تاکید دارند که حرکت آنها از چهارچوب قانون بیرون نزنند. حتی خود هاشم آقاچاری در دیدار با همسر و خواهرش پیغام داده که دانشجویان از راههای قانونی خواسته های خود را پیگیری کنند. جناح راست نیز مقدمه عقب نشینی را فراهم میکند و غیر مستقیم میگویند که در جریان طی کردن مراحل قانونی پرونده، حکم آقاچاری تغییر میکند. وحشت هر دو جناح از گسترش اعتراضات بجاست، میدانند اگر حرکت دانشجویان به خیابانها کشیده شود، با حرکتهای اعتراضی مردم چفت شود، اینبار بسیار فراتر از ۱۸ تیر خواهد بود و قابل کنترل نمیشود. هر دو جناح میدانند و تاکید دارند که این اعتراضات خطرناک است.

جمهوری اسلامی بطور واقعی به یک بیمار میماند که در اثر از دست دادن سیستم ایمنی بدنش با هر سرماخوردگی کوچک هم حالش وختم تر میشود. از زمانیکه جنبش سرنگونی طلبانه مردم بمیدان آمد، سیستم ایمنی این رژیم از دست رفت، از شش سال پیش تاکنون هر جنگ و جدال بین جناحها از قبلی شدیدتر و هر بار در مقابل مردم ضعیف تر بوده اند. خودشان به وضعیت وخیم و در حال مرگشان اقرار میکنند. امروز میگویند اگر تا یکسال و نیم پیش بقول خاتمی هر ۹ روز یک بحران داشته اند، حالا هر روز بحران دارند. دعوای اخیر دو جناح اکنون بدنبال حکم آقاچاری و دستگیری عباس عبدی بیشتر از هر زمان شدیدتر شده است. آقاچاری یک عضو ارشد رهبری سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است که به او حکم اعدام داده اند، و عباس عبدی هم یک عضو بالای حزب مشارکت اسلامی است که اتهام جاسوسی برای آمریکا دارد. باین ترتیب جناح راست راس دو سازمان اصلی جریان دو خرداد را هدف شدیدترین مجازات و سنگین ترین اتهام گرفته است. دو خردادیها هم دارند

پیام به دانشجویان و مردم آزادیخواه

مردم!

جمهوری اسلامی آخرین نفسهایش را میکشد. روز آزادی، روز شادی، روز خنده برلبان همه و روز شیون اوباش جمهوری اسلامی و گلکهای انصار حزبالله نزدیک است. صدور حکم اعدام آقاچاری و اعدامهای روزانه ای که جمهوری اسلامی میکند تلاش این رژیم کثیف و ضد بشری برای اضافه کردن چند صباحی به عمر ننگینش است. این تلاش جمهوری اسلامی به حق با مقاومت و مقابله شما روبرو شده است. باید در ابعاد هرچه وسیعتر از دانشگاه و محله و کارخانه به صف این اعتراض پیوست باید صف اعتراض را گسترش داد.

عزیزان!

جامعه ایران امروز بیش از همیشه به پرچی روشن و مطالباتی قاطع و بدون توهم احتیاج دارد. جریان دو خرداد ۶ سال وقت این مردم را تلف کرد، ۶ سال دروغ گفت و ۶ سال به عمر جمهوری اسلامی اضافه کرد. کارشان همین بود و همین است: پرچم "حفظ نظام" را در مقابل مردم "ضد نظام" قرار دادند. امروز این جریان باخته است. رئیس جمهور و مجلسشان و بیش از هرچیز تعلقشان به جمهوری اسلامی آنها را از میدان بیرون کرد و بی آبرو کرد. اگر ذرهای وجدان داشته باشند امروز باید اعلام کنند که حزب کمونیست کارگری ایران حق داشت و منصور حکمت درست میگفت: دو خرداد پروژه بی سرانجام نجات جمهوری اسلامی است و نه نجات مردم از جمهوری اسلامی.

امروز باید با خواستهای روشن به میدان آمد. باید خواستار آزادی بیقید و شرط بیان و تشکل شد. باید خواستار توقف همه احکام اعدام شد. باید خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی گردید، باید خواستار جدائی کامل مذهب از دولت شد. رژیم کثیف اسلامی باید برود. به دو خرداد نباید دوبار اجازه داد وقت و زندگی مردم را تلف کند. بهای هر روز عمر این رژیم را هزاران انسان بیگناه و بویزه کودکان و جوانان این کشور با مرگ فیزیکی و تنباهی معنوی خود میپردازند. نباید اجازه داد این جنایات ادامه پیدا کند. راه مبارزه ما از دو خرداد و همه مصلحین جمهوری اسلامی جدست. وقت مرگ جمهوری اسلامی گذشته است. اصلاً نباید به دنیا میامد.

کارگران!

سرنوشت جمهوری اسلامی و آنچه در جامعه میگذرد بیش از هرکس به طبقه ما مربوط است. جامعه به حضور قدرتمند طبقه ما احتیاج دارد و طبقه ما محتاج آنست که سرنوشت جامعه را در جهت منافع طبقه کارگر، که منفعت بشریت آزاده است، رقم بزنند. پرچم اعتراض سوسیالیسم طبقه کارگر را به پرچم اعتراض مردم تبدیل کنید. ما میتوانیم دنیا را بلرزانیم. میتوانیم جمهوری اسلامی را بزیر بکشیم.

کمونیستها!

شرایط امروز روز به میدان آمدن شماست. روزی است که کمونیستها

باید نشان دهند که بهترین سازماندهندگان، متحد کنندترین، روشنترین و مدبرترین رهبران توده ای هستند. امروز روز شماست. آرمانگرایی انسانی و روشنیبینی سوسیالیستی شما قطب نمائی است که امروز باید بکار گرفته شود. تامین رهبری با خط روشن بیش از هرکس برعهده شماست. باید تضمین کنید که مردم از این مبارزه پیروزمند، روشن تر و در مقابل جمهوری اسلامی متحد تر و قوی تر بیرون میایند. باید جنبید! باید شبکههای مختلف ارتباطات را گسترش داد باید متحد کرد باید به میدان آورد و رهبری کرد.

مردم!

سران جمهوری اسلامی از راست و دو خرداد در فکر پیدا کردن راه "آبرومند" عقب نشینی هستند. باید این آبرو را برایشان باقی نگذاشت. باید عقب نشینی آنها را به هزینه تبدیل کرد. حکم ما حکم رفتن جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای آزاد، برابر، مرفه و خوشبخت است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری

حکومت کارگری

زنده باد سوسیالیسم

کوش مدرسی

رئیس دفتر سیاسی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ آبان ۱۳۸۱

سازماندهی یک جنبش جهانی علیه موج اعدامها در ایران یک ضرورت حیاتی است

اصغر کریمی

خطاب به سازمانهای کارگری، احزاب سیاسی مترقی، نهادهای مدافع حقوق انسان و همه شخصیتهای آزادیخواه و انساندوست در سراسر جهان

است. آدمکشی و خونریزی به معنی واقعی کلمه بخشی تفکیک ناپذیر از هویت حکومت اسلامی است. حکومت اسلامی بدون اعدام و شکنجه معنی ندارد، عملی نیست. جمهوری اسلامی در شرف سرنگونی است و از روی استیصال و برای مرعوب کردن مردمی که برای سرنگونی به میدان آمده اند، به اعدام تکیه کرده است و ظرفیت راه

جمهوری اسلامی ایران موج جدیدی از اعدام را به قصد ارعاب مردم و عقب راندن آنها به راه انداخته است. جمهوری اسلامی در طول ۲۴ سال حاکمیت خود یکی از بزرگترین قتل عامهای سیاسی تاریخ معاصر را برای سرکوب انقلاب سازمان داده است. اعدام سبعمانه بیش از صدهزار مخالف سیاسی، که بخشی از آنان را کودکان و نوجوانان تشکیل میدادند، بخشی از کارنامه سران این حکومت

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمپین بین المللی حزب کمونیست کارگری علیه اعدامها در ایران ادامه دارد

شدیدتر در قدرت بماند. در هفته های اخیر بیشتر از ۱۰ نفر اعدام و سنگسار شده اند. این رژیم در مدت حکومت خود هزاران نفر را اعدام کرده است. با اعدام در ملا عام و شلاق زدن میخوانند در بین کارگران و جوانان رعب و وحشت ایجاد کنند. ما خواهان خاتمه فوری سرکوب، اعدام و شکنجه هستیم. ما از مبارزه کارگران و جوانان علیه رژیم ایران، علیه استثمار و علیه قدر قدرتی امپریالیسم حمایت میکنیم.

آمریکا: ۵۱ اتحادیه کارگری طی نامه ای ازتجار خود را از سیاست اعدام و سرکوب جمهوری اسلامی ابراز کردند و خواهان قطع فوری اعدامها و سرکوب مردم ایران شدند. اتحادیه ها همچنین همبستگی خود را با مبارزات دانشجویان و اعتصابات کارگری اعلام کردند. در قطعنامه ای که توسط ۵۱ شکل کارگری امضا شده آمده است: ما نمایندگان بیش از ۲۷۰ هزار کارگر صنعتی و خدماتی در کالیفرنیا جنوبی هستیم و:

- ۱- ما جمهوری اسلامی را بخاطر اعدامهای اخیر شدیداً محکوم میکنیم و خواهان قطع فوری مجازات اعدام و سنگسار در ایران هستیم،
- ۲- ما دستگیری، سرکوب، شکنجه و نقض هرگونه آزادی بیان و شکل را محکوم میکنیم،
- ۳- همبستگی خود را با مبارزات کارگران و دانشجویان اعلام میکنیم،
- ۴- ما جمهوری اسلامی را بخاطر نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی محکوم

⇒ سازماندهی یک جنبش جهانی ...

اناختن حمام خون را دارد. پس از یک دوره کاهش نسبی اعدام در دهه هفتاد، این سیاست در دو سال گذشته مجدداً شدت گرفته است. محکومین در دادگاههای نمایشی حکومت اسلامی در سالهای اخیر عمدتاً متهم به فروش مواد مخدر و یا قتل عمد بوده اند. اما هدف این اعدامها تماماً سیاسی و به قصد ارعاب مردم و اعلام این مساله به مردم معترض است که جمهوری اسلامی ظرفیت اعدام وسیع را دارد. حلق آویز کردن با جرقیل در انظار عمومی، در کنار شلاق زدن جوانان در خیابان، این هدف را دنبال میکند. در ماهها و هفته های اخیر موارد رو به افزایشی اعدام فعالین سیاسی، معترضینی که در جریان اعتراضات دستگیر شده اند، مخالفین ایدئولوژیک، متهمین به اهانت به مقدسات اسلامی، صورت گرفته است. و این یک زنگ خطر بسیار جلی است. اما رژیم در بحران عمیقی دست و پا میزند، توان سرکوبش بشدت پائین آمده و میتوان با یک

اعتراض وسیع و قدرتمند در مقابل موج جدید اعدام ایستاد و آنرا به عقب راند. در چنین شرایطی سازماندهی یک اعتراض همه جانبه بین المللی، علیه موج اعدام های اخیر و نیز برای آزادی زندانیان سیاسی ضرورت حیاتی دارد. رژیم موقعیت شکننده ای دارد و میتوان با سازماندهی یک جنبش پیگیر و گسترده آنرا عقب راند. این وظیفه همه سازمانهای کارگری، احزاب سیاسی مترقی و نهادهای مدافع حقوق انسان، شخصتهای انساندوست و آزادیخواه است که این ضرورت را دریابند و در کنار مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران فعالانه به مقابله با حکومت اسلامی دست بزنند.

با ما همصدا شوید، به کمپین جهانی حزب کمونیست کارگری ایران علیه موج جدید اعدام بیونید و مردم ایران را در مقابله با حکومت اسلامی یاری دهید. سیاست جدید رژیم اسلامی را باید به شکست کشانید. با شکست این سیاست جمهوری اسلامی موقعیت برتاب شکننده تری در مقابل جنبش سرنگونی طلبی مردم پیدا خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری توجه کلیه احزاب و جریانات سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نیز به اهمیت سیاسی و حساسیت مساله در شرایط کنونی جلب میکند.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

برنامه هایش جار زده، وضعیت بشدت سختی را بوجود خواهد آورد. از اینرو بطور قطع هنگام رد این دو لایحه اختلافات دو جناح شدیدتر میشود و جناح دو خرداد هر تصمیمی که بگیرد، بازنده است. در جریان این کشمکش ها اعتراضات مردم نیز بیشتر اوج خواهد گرفت. و بنظر من بخشی از تهدید خامنه ای که اگر سه قوه با هم کنار نیایند، "مردم"، یعنی اویاشان حزب الله و نیروی سپاه پاسداران، را به صحنه میآورد برای همین دوره است. این تهدید خامنه ای بطور سمبلیکی اشاره به این دارد که رژیم در آستانه برخورد به دست اندازهای جلی است و مرکز ثقل آن حرکت مردم و اعتراضات و مبارزات آنان است، خامنه ای هم برای مقابله با آن پیامش را داده است. اما شعار "زهر برو گمشو" امروز دانشجویان باید به نیروی اعتراضی و قدرتمند مردم به "جمهوری اسلامی برو گمشو" بدل شود و بفعل در آید. واقعیت اینست که تنها عاملی که اکنون اجازه میدهد رژیم جنایتکاران اسلامی سرپا بماند، عدم انسجام کافی صفوف کارگران،

گرفتن حکم اعدام آغازی در متن اعتراضات دانشجویان و مردم صورت میگیرد. از طرف دیگر سرنوشت دو لایحه پیشنهادی خاتمی که مجلس آنرا تصویب کرد از هم اکنون روشن است. هم خامنه ای تلویحاً با آن مخالفت کرد و هم شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت آنرا رد خواهند کرد. رد شدن این دو لایحه دو خردادها را در یک محصه جلی قرار میدهد و یک شکست جلی دیگر برایشان پبار میآورد. اما این شکست خیلی سنگین است و هر نوع تبلیغات بعدی آنها را مبنی بر "پیروز" خواندن خود در جریان تغییر حکم آغازی را نقش بر آب میکند. زیرا چند ماه است که در تبلیغاتشان میگویند سرنوشت جنبش اصلاحات به تصویب این لوایح خاتمی گره خورده است، و بحث خروج از حاکمیت را در صورت رد شدن این لوایح مطرح کرده اند. رد دو لایحه نه تنها کل هارت و پورت دو خرداد را پوچ میکند، بلکه آخرین تیرشان را به سنگ میزند. حتی برای خود خاتمی نیز که تصویب این لوایح را بعنوان امکانی برای اجرای قانون اساسی و شرط پیشرفت

⇒ "زهر برو گمشو!"

نحوه مقابله با این جنبش دانما پاچه همدیگر را گاز بگیرند، منتها هر بار رسواتر و ضعیف تر از قبل در مقابل مردم به مرحله بعدی پا میگذارند. اگرچه مانیفست جمهوریخواهی گنجی بدلیل اعلام شکست "جنبش اصلاحات" روحیه جریان دو خرداد را در هم شکست، اما در عوض دو خردادها سعی کردند با حلوا حلوا کردن لوایح اخیر خاتمی خود را از تک و تا نیندازند و تا حدی حول تبلیغات درباره آن صفوف خود را حداقل در سطح بالا منسجم کنند. اما کشمکش های اخیر دو جناح و دخالت خامنه ای وضعیت را عوض کرد. در این دور از اختلافات درون رژیم بطور مشخص هیچ یک از دو جناح برنده نیستند. از یکطرف همین حالا روشن است که قوه قضائیه درباره حکم آغازی عقب نشینی میکند و این، با هر توجیهی که برای آن درست کنند، یک شکست اساسی برای جناح راست است، بویژه در شرایطی که پس

میگویند که جناح راست دارد زمینه حمله نظامی آمریکا را به ایران فراهم میکنند. محسن میردامادی از داخل مجلس بنوعی فاش میکند که محفلی که در ماجرای قتلهای زنجیره ای دست داشت در داخل قوه قضائیه تجدید قوا کرده است. مجاهدین انقلاب اسلامی خبر از این میدهند که یک اقدامات سازمانیافته برای سرکوب حرکت مردم در جریان است. لفاظی های هر جناح علیه دیگری در نوع خود شدیدتر از هر زمان دیگر است. جنگ این بازنده ها اینبار آنقدر به جای باریک رسیده است که باریکتر از آن در واقع مرحله قلع و قمع کردن توسط جناح راست است، یعنی آخر خط! اما اگر چه هر یک از دو جناح بخوبی از موقعیت در حال سقوط "نظام" آگاهند، اما همچون چوب دو سر طلا راه پس و پیش ندارند. حضور جنبش سرنگونی مردم به آنان تحمیل کرده که در سر